



مرکز مدیریت حوزه علمیه خراسان

مدرسه علمیه عالی نواب

پایان نامه سطح سه

رشته تخصصی کلام اسلامی

عنوان:

# رابطه ولایت الهی با سعادت انسان

استاد راهنما:

جناب آقای دکتر کهنسال (زید عزه)

استاد مشاور:

حجت الاسلام والمسلمین دکتر سید مجید

میردامادی (زید عزه)

نگارش:

مجتبی افچنگی

سال تحصیلی: ۱۳۹۹ - ۱۳۹۸



## تقديم به :

پيشگاه سرور کائنات و فخر عالميان خاتم الانبياء محمد مصطفی و اميرالمؤمنين مولای متقيان و سيده نساء عالميان صديقه کبری، و اولاد پاک و طاهرين ايشان که واسطه خلقت موجودات، و تنها راه رسيدن انسان به سعادت و کمال، و همينطور تنها راهنما برای انسانهای عالم هستند، خاصه امام مهربانی ها و رئوف اهل بيت، عالم آل محمد حضرت امام رضا عليه آلاف التحية و الثناء که نعمت همجواری اين امام همام مزيد نعمت است و به اميد مظلومان عالم و منجی مستضعفان حضرت ولی عصر (ع) و سنگرداران علم و دانش دريای مکتب اهل بيت و پاسداران معارف دين که در دفاع از ارزش های دين و شريعت شب و روز در حال جهاد هستند...

## سپاسگزاری:

به مقتضی « من لم یشکر المنعم من المخلوقین لم یشکر الله عزوجل »<sup>۱</sup> بر خود لازم می دانم ضمن حمد و سپاس خداوند تبارک و تعالی، از تمام کسانی که در جمع آوری این اثر ناچیز حقیر را یاری نموده، به ویژه از استاد گرانمایه و گرانقدر جناب آقای دکتر کهنسال که با علم و درایت و راهنمایی های دلسوزانه و از سر اخلاص خود در تنظیم این مجموعه حقیر را همراهی و راهنمایی نمودند صمیمانه تقدیر و تشکر می کنم. همچنین از زحمات حجه الاسلام و المسلمین دکتر سید مجید میردامادی که با صداقت و دلسوزانه مشاوره پایان نامه حقیر را پذیرفتند تقدیر و تشکر می نمایم و برای همگی توفیق علم و عمل و حسن عاقبت و رسیدن به سعادت را از خداوند منان عاجزانه خواستارم.

---

<sup>۱</sup>. حرعاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۳۱۳.

## چکیده

رسیدن به سعادت و کمال آرزوی هر انسانی است، با توجه به اینکه در عالم مادی با تقابل تراحمات مسائل با یکدیگر سعادت حقیقی میسر نبوده، محل رسیدن به آن آخرت است. عامل رسیدن به سعادت حقیقی ولایت الله است که باعث خوشبختی و ورود انسان به بهشت، که عین سعادت است می شود. ولایت معصوم علت تحقق انسان به ولایت الهی است و علت تحقق انسان به ولایت الهی علت سعادت است و علت سعادت به نحوی خود عین سعادت است. در نتیجه اینکه ولایت معصوم عین سعادت است. در این پژوهش ارتباط ولایت با سعادت افزون بر طریق فلسفی و برهانهای لمی با نظر به ساحات وجودی انسان نیز بررسی گردیده است. با استفاده از براهین و فلسفی صادر اول اشرف موجودات است و روایات مصداق صادر اول را وجود پیامبر (ص) و ائمه (ع) دانسته اند و این برهان لمی بروجوب وساطت آنان هم در نزول برکات و هم در صعود اعمال دلالت می کند. فطرت انسان که آفرینش اوست عین ربط است و عقل نظری و عملی و اتحاد او با مدرکاتش نیز باید بر ارتباط مطلق او با اولیای الهی حکم کنند. ادله نقلی هم در غیر مستضعفان به وجوب متابعت فرمان می دهد و شبهه شرک و غلو نیز به تبیین رابطه طولی پاسخ داده می شود. محال بودن طفره در وجود و نقصان عقل انسانی در یافتن سعادت نیز می رساند که سعادت بدون ولایت محال است.

**کلید واژه ها :** ولایت الهی، سعادت، صادر اول، عین ربط، فطرت، رابطه طولی، روایات

## فهرست مطالب

### بخش اول: کلیات و مفاهیم

..... فصل اول:	۱,۱
..... کلیات	۱,۱,۱
..... تبیین موضوع	۱,۱,۱,۱
..... پرسش های اصلی:	۱,۱,۱,۲
..... سوالات فرعی	۱,۱,۱,۳
..... فرضیه ها	۱,۱,۱,۴
..... پیشینه تحقیق	۱,۱,۱,۵
..... ضرورت تحقیق	۱,۱,۱,۶
..... نوآوری	۱,۱,۱,۷
..... اهداف و کاربردهای تحقیق	۱,۱,۱,۸
..... روش انجام تحقیق	۱,۱,۱,۹
..... ساختار تحقیق	۱,۱,۱,۱۰
..... فصل دوم: مفهوم شناسی	۱,۲
..... رابطه در لغت و اصطلاح	۱,۲,۱
..... معنای اصطلاحی	۱,۲,۱,۱
..... ولایت در لغت و اصطلاح	۱,۲,۲
..... 1.2.2.1 کلمه ولایت	۱,۲,۲,۱
..... معنای اصطلاحی	۱,۲,۲,۲
..... ولایت در اصطلاح قرآن	۱,۲,۲,۲,۱
..... انواع ولایت	۱,۲,۳
..... مفهوم نبی و امام	۱,۲,۴

..... ۱,۲,۴,۱ نبی در اصطلاح

..... ۱,۲,۵ امام در لغت و اصطلاح

..... ۱,۲,۵,۱ در اصطلاح قرآن

..... ۱,۲,۵,۲ اصطلاح متکلمین

..... ۱,۲,۶ سعادت در لغت

..... ۱,۲,۶,۱ در اصطلاح

### بخش دوم: حقیقت و فلسفه ولایت الهی

..... ۲,۱ نظری اجمالی به سیر منطقی پژوهش

..... ۲,۲ فصل اول: فلسفه امامت

..... ۲,۲,۱ نتیجه گیری

..... ۲,۲,۲ خلاصه مطالب

..... ۲,۲,۲,۱ خلقت طولی عالم و قاعده الواحد

..... 2.2.2.2 پاسخ و راه حل به شبهه

..... ۲,۲,۳ صادر اول از دیدگاه روایات و احادیث معصومین (علیه السلام)

..... ۲,۳ قاعده امکان اشرف

..... ۲,۳,۱ توضیح مطلب

..... ۲,۳,۱,۱ تقریر برهان

..... ۲,۴ فصل دوم: وجوب تمسک به ولایت پیامبر و امام، از حیث نقل

..... ۲,۴,۱ آیات

..... ۲,۴,۱,۱ آیه اول: اولی الامر.

..... ۲,۴,۱,۲ اولی الامر کیست؟

..... ۲,۴,۲ نتیجه

..... ۲,۴,۲,۱ آیه دوم: آیه صادقین:

.....	۲,۴,۲,۲ آیه سوم: آیه ولایت
.....	۲,۴,۳ روایات و احادیث
.....	2.4.3.1 حدیث ثقلین
.....	۲,۴,۳,۲ بررسی متن حدیث
.....	۲,۴,۳,۳ دلالت این حدیث بر تمسک به ولایت اهل بیت
.....	۲,۴,۴ حدیث سفینه
.....	۲,۴,۴,۱ سند و متن حدیث
.....	۲,۴,۴,۲ توضیح و دلالت حدیث
.....	۲,۴,۵ حدیث امان
.....	۲,۴,۵,۱ بررسی متن و سند
.....	۲,۴,۵,۲ مفهوم حدیث امان
.....	۲,۴,۶ حدیث من مات
.....	۲,۴,۷ حدیث لولا الحجة
.....	۲,۴,۸ لزوم تبعیت از امام در حدیث باب حطه
.....	۲,۴,۹ دلالت این حدیث بر پیروی از اهل بیت
.....	۲,۴,۱۰ خلاصه دلایل نقلی
.....	۲,۵ فصل سوم: طولی بودن ولایت خدا و پیامبر و امام
.....	۲,۵,۱ منحصر بودن ولایت در الله
.....	۲,۵,۲ ادله انحصار ولایت تکوینی در خداوند
.....	۲,۵,۲,۱ ب: قادر مطلق بودن خداوند
.....	۲,۵,۲,۲ ج: مالکیت مطلقه خداوند
.....	۲,۵,۳ دلیل انحصار ولایت تشریحی در الله
.....	۲,۵,۴ ولایت پیامبر و امام
.....	۲,۵,۵ جواب به اشکال



- ..... ۲,۵,۶ پاسخ به این احتمال
- ..... ۲,۵,۷ طولی بودن ولایت پیامبر و امام از دیدگاههای مختلف
- ..... ۲,۵,۷,۳ از نظر فلاسفه
- ..... ۲,۵,۷,۴ جمع بندی
- ..... ۲,۶ فصل چهارم: امکان رسیدن به سعادت بدون ولایت پیامبر و امام
- ..... ۲,۶,۱ حل یک شبهه
- ..... ۲,۶,۲ پاسخ به این ادعا
- ..... ۲,۶,۳ نمونه هایی از ولایت پذیران سعادتمند

### **بخش سوم: ارتباط فطرت، عقل نظری و عملی با ولایت الهی**

- ..... ۳,۱ فصل اول: فطرت در لغت و اصطلاح
- ..... ۳,۱,۱ در اصطلاح
- ..... ۳,۱,۲ رابطه سعادت با فطرت
- ..... ۳,۲ فصل دوم: حقیقت رابط انسان
- ..... ۳,۲,۱ تقسیمات وجود
- ..... ۳,۲,۲ واقعیت رابطی انسان
- ..... ۳,۲,۳ نتیجه گیری
- ..... ۳,۳ فصل سوم: ارتباط فطرت با حقیقت خارجی
- ..... ۳,۴ فصل چهارم: نقش عقاید و اعمال در فطرت
- ..... ۳,۴,۱ فطرت و اختیار
- ..... ۳,۵ ارتباط عقل نظری و عملی با ولایت الهی
- ..... ۳,۶ فصل اول: عقل در لغت و اصطلاح
- ..... ۳,۶,۱ در اصطلاح
- ..... ۳,۶,۲ چستی عقل نظری و عملی
- ..... ۳,۶,۲,۱ اقسام و مراتب آن
- ..... ۳,۶,۲,۱,۱ چستی عقل نظری و عملی

.....	۳,۷ فصل دوم: اتحاد عاقل و معقول
.....	۳,۷,۱ بیان أدله
.....	۳,۷,۲ ارتباط اتحاد عاقل و معقول با ولایت و عقل عملی
.....	۳,۸ فصل سوم: تفکیک یقین و تقلید در احکام الهی
.....	۳,۸,۱ تقلید در لغت
.....	۳,۸,۲ یقین در لغت:
.....	۳,۸,۳ دیدگاه منطقی
.....	۳,۹ فصل چهارم: احکام معاندان و فاسقان
.....	۳,۹,۱ اقسام کافر
.....	۳,۹,۲ احکام جاهل
.....	۳,۹,۳ ادله معذرت کافر جاهل
.....	۳,۹,۳,۱ الف: آیات قرآن:
.....	۳,۹,۳,۲ ب: روایات.
.....	۳,۹,۳,۳ حکم منکر ولایت
.....	۳,۹,۴ نتیجه گیری
.....	منابع و مأخذ
.....	الف) منابع فارسی
.....	ب) منابع عربی



## بخش اول: کلیات و مفاهیم

## ۱,۱ فصل اول:

۱,۱,۱ کلیات

۱,۱,۱,۱ تبیین موضوع

از بنیادی ترین و اساسی ترین مسائل و مباحث اعتقادی در میان عقاید مسلمانان، مبحث توحید، و مسأله ی توحید ربوبی است. بنا بر دیدگاه توحید ربوبی، مدبّر و مدیر عالم هستی و تمام موجودات، خداوند است. زیرا که خالق و آفریننده جهان و هستی دهنده موجودات و به عبارتی دیگر، ایجاد کننده تمام موجودات خداوند است و غیر از خداوند کسی شأنیت و جایگاه مدبّر بودن و تدبیر جهان و موجودات را ندارد و از آنجا که غیر ذات باری تعالی، همه ماسوی الله، در اصل وجود و ایجاد شدن خویش، فقیر و پوچ و محتاج به غیر هستند و به تعبیری عین ربط و عین نیاز به خداوند هستند، قدرت بر انجام و تدبیر امورات خویش را نداشته، و از آن جهت که عین ربط هستند، شایستگی برای تصرف در امور دیگران و همچنین وضع امر و نهی بر انجام و یا ترک فعلی را ندارند، این بدست می آید که ماسوی الله هیچ گونه ولایت بر خویش را ندارند، چه رسد به ولایت داشتن بر غیر خویش. بنابراین، ولایت تکوینی و تشریحی فقط از آن خداوند است و فقط برای خداوند ثابت است و کسی غیر از خداوند اولاً و بالذات و بطور استقلالی حق هیچ گونه اعمال ولایتی را بر هیچ کس ندارد. ولایت داشتن طبق ادله عقلی و نقلی، به پیامبر (ص) و ائمه (ع) نیز می رسد و سبب افزایش ایمان و قرب الهی و در نهایت، همان سعادت حقیقی و کمال انسان، می شود و در واقع این ولایت علّت رسیدن انسان به سعادت است.

اکنون آنچه در این مبحث مورد تحقیق و پژوهش قرار می گیرد این است که چه ارتباطی میان ولایت الهی و به سعادت رسیدن انسان وجود دارد؟ به عبارت دیگر نقش ولایت الهی در تقویت عقل نظری و عملی انسان و نیز تقویت فطرت انسان چیست؟ و آیا بدون ولایت، انسان می تواند به سعادت خویش دست پیدا کند؟ نکته دیگر اینکه به تبع این ولایت، نقش پیامبر و امام در این ولایت چیست؟ و جایگاه آنان در سعادت مند شدن انسان چگونه جایگاهی است؟

## ۱,۱,۲ پرسش های اصلی:

- ۱- چه نسبتی بین فطرت الهی انسان و ولایت الهی وجود دارد؟
- ۲- چه ارتباطی بین عقل نظری و عقل عملی انسان، و ولایت الهی وجود دارد؟
- ۳- جایگاه و نقش پیامبر و امام در ولایت الهی چگونه نقش و جایگاهی می باشد؟

## ۱,۱,۳ سوالات فرعی

۱. عوامل رسیدن به سعادت در انسان چیست؟
۲. چه چیزهایی در سعادت مند شدن انسان نقش دارند؟
۳. چه عواملی به نحو علت تامه و چه عواملی به نحو علت ناقصه برای سعادت مندی انسان نقش ایفاء می نمایند؟

## ۱,۱,۴ فرضیه ها

۱. فطرت انسان نحوه ایجاد و سرشت اوست. همه وجود انسان و قوای او به حکم فلسفه عین ربط به خداوند هستند و هیچ گونه استقلالی ندارند. و حقیقت انسان که همان رابط بودن اوست عین الربط بودن آن است. ولایت الهی سبب می شود که این موجود عین الربطی بر اساس فطرت خود با خداوند ارتباط و پیوند برقرار کند و این پیوند انسان را به جایگاه طبیعی و اصلی خویش می رساند که سبب سعادت انسان می شود.
۲. عقل نظری و عملی انسان دو نیرویی هستند که بایستگی های معرفتی و عملی را به انسان می آموزند. هیچ راهی نمی تواند انسان را به سعادت برساند مگر اینکه انسان را با عقل نظری و عمل او در ارتباط باشد. عقاید راستین یقینی و عمل به واجبات و انجام مناسک شرط ولایت الهی است. و در همین راستا این نکته قابل ذکر است که احکام معاندان و فاسقان و سعادت ایشان و شقاوتشان که هر یک به نوعی با حکم عقل نظری و عملی به مخالفت بر خورده اند در حد مرتبط با موضوع بیان می شود.
۳. پیامبر و امام، الگو علمی و عملی برای رسیدن انسان به سعادت می باشند و هم اینکه تمسک به ولایت ایشان در طول ولایت الهی است؛ چرا که هر حکمی که برای ولایت الهی داده

شود بالذات مرتبط به خداوند است و به شکل ارتباط طولی به پیامبر و امام نیز می رسد و ولایت امام و پیامبر به تبع ولایت خدا و در طول ولایت اوست.

## ۱,۱,۱,۵ پیشینه تحقیق

در رابطه با ولایت الهی و نقش آن در سعادت انسان، کتاب و یا پایان نامه ای به صورت مستقیم که به این موضوع پرداخته باشد تدوین نشده است؛ اما برخی از کتب و چند پایان نامه مرتبط با این موضوع که به عنوان منابع استفاده شده در این پژوهش به شمار می آیند، را اشاره می کنیم:

۱. علامه سید محمد حسین طباطبایی که از متفکرین و مفسرین بزرگ تشیع می باشند، کتابی به نام «**الرساله و الولاية**» تدوین نموده است که در این کتاب به بحث ولایت الهی پرداخته اند. و همینطور علامه در کتاب شریف تفسیر **المیزان** به مناسبت هایی و در ضمن آیات مرتبط به آن بحث، از ولایت الهی و همینطور نقش آن در سعادت انسان پرداخته است و به مناسبت های مختلف به مباحثی درباره عوامل و اسباب رسیدن به سعادت پرداخته اند.

۲. کتاب **ولایت الهی** توسط آیت الله صافی گلپایگانی در این زمینه تدوین شده است. که به عوامل ورود به ولایت الهی و عواملی خارج شدن و..... مباحثی را مطرح نموده اند.

۳. آیت الله جوادی آملی در کتاب ارزشمند **تفسیر تسنیم** و همینطور در تفسیر **موضوعی قرآن**، به مناسبت به این مباحث اشاراتی داشته اند و علاوه بر این در کتاب **ادب فنای مقربان** که شرحی کامل و مفصل بر زیارت جامعه کبیره است نکاتی را بیان نموده اند. همچنین ایشان در کتاب **شمیم ولایت** مباحثی مربوط به ولایت امامان و حقیقت مقام امام و نقش آن در سعادت انسان نکاتی را بیان فرموده اند.

۴. متفکر بزرگ، مرحوم شهید مطهری در **مجموعه آثار** به این مباحث و تعریف سعادت حقیقی و راه های رسیدن به آن به طور کامل پرداخته اند.

۵. پایان نامه ای به عنوان « سعادت و شقاوت در قرآن بر اساس تفسیر المیزان » توسط خانم اکرم مرادی، در این زمینه تدوین شده است که به تعریف سعادت و عوامل رسیدن به آن پرداخته است. که تقوا و عمل صالح و... را از مهمترین عوامل رسیدن به سعادت می دانند.

۶. پایان نامه ای به نام « ولایت خداوند در قرآن » توسط خانم فاطمه حسینی علانی در این زمینه تدوین شده است که در این پایان نامه به توضیح اصل ولایت خداوند و اثرات آن پرداخته است

۷. مقاله ای به نام « سعادت حقیقی از دیدگاه ملاصدرا » که توسط آقای محمدرضایی و محمد الیاسی؛ در این بحث تدوین شده است. و نکاتی را در این زمینه بررسی می نمایند.

۸. مقاله علمی پژوهشی به نام « نقش ایمان و کفر » اثر آیت الله مصباح یزدی را می توان به عنوان یکی از منابع متناسب با این موضوع نام برد.

۹. مقاله علمی پژوهشی به نام « نقش حجت های الهی در سعادت انسان » در فصلنامه علمی پژوهشی انتظار، که توسط آقایان مهدی یوسفی و محمد کاظمی تدوین شده نیز، به عنوان یکی دیگر از منابعی است که می توان در این بحث از آن نام برد.

علاوه بر منابع معرفی شده در کتب تفسیری و روایی و همچنین کتب کلامی و مقالات علمی پژوهشی و سایتهای اینترنتی، به موارد مشابه این موضوع به صورت کلی و یا به گونه جزئی، اشاره شده است ولی بطور مستقل در این زمینه تحقیق و پژوهشی به انجام نرسیده است و حتی مباحث مطرح شده در منابع همه به صورت اشاره ای و ضمنی می باشد و هیچکدام به صورت مستقل به این مبحث توجه نشده است.

### ۱,۱,۱,۶ ضرورت تحقیق

این مبحث یکی از مسائل بنیادی می باشد که با اعتقادات مردم ارتباط دارد و موضوعی مهم در سرنوشت انسان است به گونه ای که اگر کسی در دنیا در ذیل ولایت حق تعالی باشد در دنیا و آخرت سعادت مند است ولی اگر تولی به ولایت الهی نداشته باشد قطعاً تحت ولایت شیطان است.

علاوه بر این، مسأله از حیث نظری مسأله ای پژوهشی می باشد که منبع معرفتی آن آیات کریمه قرآن و احادیث حضرات معصومین می باشد و نتیجه این تحقیق از جهت عملی در اصلاح رفتار فردی و اجتماعی جامعه و ارائه نگاه صحیح در مسیر زندگی مؤثر می باشد.

### **۱,۱,۱,۷ نوآوری**

طرح مسأله پژوهشی و تبیین فرضیه تحقیق از طریق تبیین مبادی و ذکر ادله و نتایج معرفتی؛ مسأله محور بودن تحقیق و روشمندی تدوین و تبیین مسأله و بیان مبادی تصویری و تصدیقی و لوازم تبیین مسأله از نوآوری های تحقیق می باشد.

### **۱,۱,۱,۸ اهداف و کاربردهای تحقیق**

هدف از این تحقیق این است که با توجه به اینکه موضوع ولایت الهی در قرآن و سنت معصومین به صورت کامل و دقیق تبیین شده است و موضوع ولایت الهی که لازمه خالقیت و ربوبیت و مالکیت مطلقه ذات باری تعالی است، از اهم مباحث اعتقادی است. به ویژه بر طبق دیدگاه عرفانی و اعتقادی شیعه در مسأله امامت که امام، انسان کامل و ولی خدا و واسطه فیض خداوند و مجرای جریان فیض بر بشریت می باشد و ولایت الهی به واسطه اولیای الهی محقق می شود، انسان چگونه می تواند به این هدف برسد و خویش را به هدف نهایی که همان سعادت دنیوی و اخروی است برساند؟

علاوه بر آن، اینکه انسان به این نتیجه برسد که تنها راه رسیدن به سعادت و نجات و کمال فقط از طریق تولی ولایت تشریحی خداوند، که آن هم از طریق انسانهای کامل به ما رسیده است می تواند سعادت حقیقی و واقعی را بدست بیاورد، و در سایه تولی ولایت خداوند خود را از ظلمات و تاریکی ها و گمراهی ها به نور و هدایت و سعادت مندی برساند.

### **۱,۱,۱,۹ روش انجام تحقیق**

روش انجام این پژوهش، به صورت توصیفی تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه ای بوده است.



## ۱۰،۱،۱،۱ ساختار تحقیق

این تحقیق از سه بخش تشکیل شده است؛ در ذیل بخش اول سه فصل وجود دارد. در فصل اول شناسنامه تحقیق بیان شده و در فصل دوم به ارائه مباحث تصویری پرداخته شده است. مفاهیم اساسی تعریف (لغوی و اصطلاحی) تبیین، و تحلیل شده است. بعد از آن بخش دوم با عنوان ارتباط ولایت الهی با فطرت مورد بررسی قرار می‌گیرد که در چهار فصل مطالب این بخش مورد بررسی قرار گرفته است که ابتدا نظر اجمالی به سیر این تحقیق بیان شده و بعد فصل اول در عنوان فلسفه امامت و حقیقت امامت مورد بررسی قرار گرفته است که طبق براهین فلسفی انحصار بودن ولایت در امامان اثبات می‌گردد. در فصل دوم وجوب تمسک به ولایت پیامبر و امام بیان از حیث نقل بیان شده است. در فصل سوم طولی بودن ولایت خداوند و پیامبر مطرح شده است. در فصل آخر مبحثی پیرامون امکان رسیدن به سعادت بدون ولایت پیامبر و امام مطرح شده است. در ادامه بخش سوم مطرح می‌شود که به ارتباط عقل نظری و عملی با ولایت الهی پرداخته می‌شود که در فصل اول از این بخش مطالبی در رابطه با فطرت و ارتباط آن با سعادت مطرح شده است و در فصل بعدی مطالبی در رابطه با حقیقت رابط انسان بیان شده است و در فصل بعدی به تناسب ارتباط فطرت با حقیقت خارجی بیان شده است. بعد از آن در ادامه، نقش عقاید و اعمال در فطرت بیان شده است و در ادامه به مناسبت مبحث اصلی با عنوان ارتباط عقل نظری و عملی با ولایت الهی بیان شده است که در فصل آخر از این بخش به مناسبت احکام معاندان و مخالفان و مستضعفان و حکم منکر ولایت بیان شده است و در آخرین مبحث به نتیجه‌گیری از مباحث مطرح شده پرداخته گردیده است. که ولایت امام علت رسیدن به ولایت الهی و به نوعی، علت رسیدن به سعادت است. و در آخر مباحث به ذکر منابع مورد استفاده و پایان نامه‌ها و مقالات علمی و پایگاه‌های اینترنتی مورد استفاد پرداخته شده است.

## ۱,۲ فصل دوم: مفهوم شناسی

### ۱,۲,۱ رابطه در لغت و اصطلاح

در اصل این واژه به معنای مواظبت بر امری است و به معنای بستن نیز آمده است: «رَبَطَ الشَّيْءَ رِبْطًا: أَوْثَقَهُ وَشَدَّهُ»<sup>۲</sup>. در تفسیر نیز این معنا به کار رفته است<sup>۳</sup>؛ چنانکه از همین باب گفته اند: «خداوند با صبر قلب او را بست یعنی محکم کرد»<sup>۴</sup>.

در دیگر کتب لغت به معنای بستن و حفظ کردن و محکم کردن آمده است.<sup>۵</sup> یکی از محققان بیان کرده است:

« ربط به معنای محکم کردن و توثیق می باشد که به کسی یا موضوعی تعلق دارد»<sup>۶</sup>.

از آنچه ذکر شد این نتیجه بدست می آید که دو اصل معنایی برای ربط وجود دارد: یکی محافظت کردن و دیگری استحکام و ثبوت؛ است، که معنای دوم به متعلق نیاز دارد و شاید محافظت کردن همان معنای اولیه آن باشد و شدت و توثیق از لوازم معنایی آن نیز می باشند. پس این واژه به معنای بستن می باشد.

### ۱,۲,۱,۱ معنای اصطلاحی

از آنچه در باره معنای لغوی این واژه بیان شد، چنین فهمیده می شود که رابطه به نسبتی گفته می شود که احتیاج به متعلق و طرفین دارد و این متعلق و طرفین امکان دارد، گاهی حقیقی و دارای واقعیت باشد، مانند وجودات خارجی و ذهنی، که دارای واقعیت هستند هرچند از نظر شدت و ضعف بین آنها اختلاف وجود دارد، و گاهی ممکن است که وجود طرفین یک وجود جعلی و اعتباری باشد، همانند عقود که تابع جعل جاعل می باشد.

<sup>۲</sup> - قرشی، علی اکبر، قاموس قرآن؛ ج ۳؛ ص ۴۷.

<sup>۳</sup> - طباطبایی، محمد حسین، المیزان، ذیل آیه ۲۰۰ آل عمران.

<sup>۴</sup> - زبیدی، مرتضی، تاج العروس، ج ۲، ص ۴۸ «ربط الله على قلبه بالصبر»

<sup>۵</sup> - زبیدی، مرتضی، تاج العروس، ج ۳، ص ۴۸

<sup>۶</sup> - مصطفوی، حسن، التحقيق في كلمات القرآن الكريم، ج ۴؛ ص ۲۸ «بشيء أو في موضوع ليثبت على تلك الحال»

با بررسی انواع وجودات و مقایسه بین آنها مشخص می شود که از لحاظ وجودی بین آنها اختلاف وجود دارد و اینکه شدت و اثر وجود خارجی بیشتر از شدت و اثر وجود ذهنی است و همینطور وجود ذهنی از وجود اعتباری و جعلی قوی تر است.

پس در این صورت که طرفین بر دو نوع می باشند؛ ارتباط هم به تبع آن به دو قسم تقسیم می گردد:

الف): حقیقی: این ارتباط دارای وجود حقیقی می باشد و در خارج موجود است.

ب): قراردادی؛ با توجه به اینکه طرفین این ارتباط اعتباری هستند، اعتباری می باشد و موطن و جایگاه آن در ذهن می باشد همانند عقود که اعتباری هستند.<sup>۷</sup>

## ۱،۲،۲ ولی و ولایت در لغت و اصطلاح

کلمه ولی به سکون لام بر وزن رمی، مصدر می باشد و به معنا و مفهوم قرب آمده است.

درباره کلمه ولی که اسم مصدر باشد چندین معنا برای آن ذکر گردیده است:<sup>۸</sup> معانی و

مفاهیمی همانند<sup>۹</sup> محب، صدیق، مالک، ناصر، امارت، سلطان، منعم علیه، قرب، معتق، سلطان،

امارت، جار، ابن عم، رب، سید و ..... برای این کلمه ذکر نموده اند.<sup>۱۰</sup>

<sup>۷</sup> - جوادی آملی، عبدالله، ادب فنای مقربان، ج ۱؛ ص ۲۵۵.

<sup>۸</sup> - زبیدی؛ سید محمد مرتضی، تاج العروس؛ ج ۲۰، ص ۳۱۰.

<sup>۹</sup> - ازهری؛ ابومنصور محمد بن احمد، تهذیب الغه؛ ج ۱۵، ص ۴۴۷.

<sup>۱۰</sup> - فیروز آبادی؛ محمد، قاموس المحيط، ص ۱۲۰۹.